

ایران زندگی

فعالان حوزه کسب و کارهای فضاییه در گفت وگوبا «ایران» از

نیاز امروز کشوری گویند

نروم تدوین برنامه ۱۰ ساله فضایی

◀ | صفحه ۱۵

گرمخانه میدان شوش ازنمایی نزدیکتر

بگذار زندگی گنم

◀ | صفحه ۱۶



«ایران» در گفت‌وگو با کارشناسان مواجهه کودکان با جشن‌های سایر فرهنگ‌ها در مهدهای کودک را بررسی کرد

تا «پلدا» هست «هالوین» چرا؟

◀ **پرستو رفیعی**
خبرنگار

چند سالی است که انواع جشن‌ها و آیین‌ها از فرهنگ‌های جوامع دیگر وارد فرهنگ ما شده است. تم‌ها و المان‌های جشن‌های غیر بومی نه تنها در ویرترین بسیاری از مغازه‌ها به چشم می‌خورند بلکه در گوشه خانه برخی از ایرانی‌ها هم یافت می‌شود.

چیزهایی مانند درخت کریسمس، کدو تنبل مخصوص جشن هالووین و... در بسیاری از مهدهای کودک و حتی برخی از دبستان‌ها هم برای این مناسبت‌های تقویمی جشن‌های مفصل برگزار می‌شود و عکاسی هم به ثبت این لحظات می‌پردازد. از آن گذشته در بسیاری از انیمیشن‌ها که این روزها کودکان بسیار با آن دمخور هستند این فرهنگ در زندگی روزمره قهرمانان انیمیشن‌ها گنجانده شده است.استقلال از این جشن‌ها تحلیلگران اجتماعی، جامعه‌شناسان و متخصصان حوزه روان را به تحلیل و اظهارنظر واداشته است. گروهی این قبیل جشن‌ها را پدیده‌های برای شاد بودن می‌دانند و گروهی دیگر دلیل بروز این موضوع را دسترسی به اینترنت و فضای مجازی می‌دانند. در این میان اما نکته‌ای که بسیار مهم و قابل توجه به نظر می‌رسد این است که هیچ‌یک از این جشن‌ها و آیین‌های غیربومی که در فرهنگ ما جا خوش کرده‌اند نتوانسته‌اند جایگزین آیین‌های فرهنگی ما شوند. فردی که جشن هالووین می‌گیرد و کدوتنبل تزیین شده روی میز و گوشه خانه‌اش می‌گذارد در دوره‌های شب پلدا هم شرکت می‌کند و به جشن و سرور می‌پردازد. اما باید نگران نسل جدید بود؟ مرتضی قلیچ، جامعه شناس معتقد است در گفت‌وگو با «ایران» از بین رفتن مرزها و ناتوانی بیشتر کشورها در کنترل مرزهایشان برخی از مناسبت‌ها و آداب و رسوم فرهنگی از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر منتقل شده است.

وی در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: در حال حاضر در کمتر جامعه‌ای می‌توانیم فرهنگ خالص و یکسان را ببیم و حتی می‌توان گفت برخی فرهنگ‌ها به نوعی در سایر فرهنگ‌ها ادغام شده و شکلی از ادغام یا ورود فرهنگ‌های دیگر در فرهنگ‌های بومی اتفاق افتاده است.

این جامعه‌شناس تأکید می‌کند: اما این موضوع همواره مورد توجه است که اگر جامعه‌ای در فرهنگ خود بخش زیادی از مناسبت‌ها را به فراموشی سپارد یا به آنها توجه نداشته باشد با

آسیبی جدی مواجه خواهد شد. طبیعی است زمانی که ما به آنچه که در فرهنگ خودمان است توجه نکنیم و آنها را به درستی اجرا نکنیم، جامعه به دلیل پویایی به فرهنگ‌های دیگر مراجعه می‌کند و با الگوبرداری و کپی‌برداری، شکلی بومی شده از سایر فرهنگ‌ها و مناسبت‌های مربوط به آن فرهنگ‌ها را برای خود پیاده و اجرا می‌کند.

قلیچ با اشاره به برخی از مناسبت‌های فرهنگی مربوط به جوامع دیگر که امروزه در کشور ما نیز برگزار می‌شود، می‌گوید: هالووین یا کریسمس و حتی ولنتاین که این روزها در سطح جامعه رواج دارد همگی در داخل فرهنگ ایرانی و اسلامی خودمان هم وجود دارد، مثلاً ما روزی به نام عشق در فرهنگ ایرانی داریم. اما از آنجایی که ما آنها را برجسته نمی‌کنیم طبیعی است که این بُعد از فرهنگ‌های دیگر وارد فرهنگ ما می‌شود. کما اینکه مناسبت‌هایی مانند مناسبت‌های نوروز سیزده بدر را که جدی گرفته‌ایم به فرهنگ‌های دیگر هم انتقال پیدا کرده است و در برخی از کشورها می‌توانیم شاهد برگزاری این مناسبت‌ها باشیم.

وی اضافه می‌کند: بنابراین تا زمانی

که ما مناسبت‌ها و آیین‌هایی را که از فرهنگ برخاسته و سابقه دیرینه در فرهنگ، سنت و مذهب ایرانی دارد برجسته نکنیم و به آنها چه در رسانه ملی چه در مدارس و مهد کودک بها ندهیم باید شاهد راهیایی برخی از مناسبت‌های جهانی یا آداب و رسوم فرهنگ‌های جوامع دیگر در فرهنگ خود باشیم. ممکن است این جشن‌ها و آداب و رسوم در قالب موسیقی یا در قالب جشنواره باشند.

این جامعه‌شناس تأکید می‌کند: به

هرحال مرزهای فرهنگی امروزه روی هم گشوده شده‌اند و مهم این است که ما تا چه اندازه در حوزه فرهنگی خودمان سرمایه‌گذاری کنیم. با کمی توجه و دقت درمی یابیم هرجا که سرمایه‌گذاری کرده‌ایم موفق بوده‌ایم، همان طور که اگر سرمایه‌گذاری نکنیم مغلوب خواهیم شد. یعنی دیگر فقط آن جشن نیست که وارد فرهنگ می‌شود و با خود رفتار فرهنگی آن جامعه را نیز می‌آورد.

■ **شادی، فصل مشترک همه جشن‌ها**

مصطفی آب روشن، جامعه‌شناس نیز براین باور است که فصل مشترک همه جشن‌ها و مناسبت‌ها، شادی و

این روانپزشک تأکید می‌کند: تا اینجای کار که برگزاری این جشن‌ها و آیین‌های فرهنگی منجر به ایجاد لحظات شاد و مفرح می‌شود مشکلی نیست، اما بحث و چالش زمانی آغاز می‌شود که ببینیم ما تا چه اندازه به مناسبت‌های ایرانی ملی و مذهبی خود بها می‌دهیم و در راستای گسترش آنها تلاش می‌کنیم؟ یا در بطن هر رسمی چه محتوا و پیامی دارد منتقل می‌شود؟

وی تصریح می‌کند: درواقع اگر نگران

نفوذ فرهنگ جوامع دیگر هستیم باید

بدانیم هرچقدر به مناسبت‌ها و آیین‌های ملی خود بیشتر بپردازیم و فرهنگ‌سازی کنیم تا بچه‌ها یاد بگیرند که ما هم مناسبت‌ها و آیین‌هایی در فرهنگ خود داریم، آنها کمتر به سراغ جشن گرفتن در مناسبت‌های مربوط به فرهنگ سایر کشورها می‌روند. فرزندان ما باید پیاموند که ما آیین‌هایی مانند پلدا، نوروز، سیزده بدر و اعیاد مذهبی و خیلی از جشن‌هایی را که در گذشته جشن گرفته می‌شد و امروز تنها در شهرهای کوچک به آنها پرداخته می‌شود در فرهنگ خود داریم که می‌توانند لحظات مفرح و به یادماندنی برای آنها بسازند.

رابطان با تأکید بر اهمیت برگزاری جشن‌های بومی می‌گویند: ما هرچقدر بتوانیم فرهنگ ملی و ایرانی و اسلامی خود را باشکوه‌تر برگزار کنیم؛ مثلاً در جشن پلدا در میدا بین آتش‌بازی باشد و افشار مختلف جامعه در میدا بین گرد یکدیگر جمع شوند و شادی کنند و از وجود یکدیگر لذت ببرند و نمادهای شب پلدا به وفور در مقابل نگاه کودکان قرار بگیرد و به آنها یادآوری شود اینچنین فرهنگ غنی ایرانی بیشتر در ذهن آنها نهادینه می‌شود.

این روانپزشک اضافه می‌کند: مثال باز این موضوع جشن هالووین است که امروزه جهان شمول شده، این جشن در گذشته در قسمت‌هایی از کشور ایرلند برگزار می‌شد اما با تعاملات فرهنگی و ارتباطات اجتماعی که این کشور با سایر جوامع بشری برقرار کرد یک جشن منطبقه‌ای امروز به جشنی جهانشمول تبدیل شده است.

وی با تأکید بر اینکه صرف آشنایی با فرهنگ‌های مختلف بسیار مناسب است و این آشنایی بی‌هویتی به دنبال نخواهد داشت می‌گوید: هرچقدر فرهنگ و هویت خودمان قوی‌تر باشد و مباحث مربوط به این موضوع وارد

کتاب‌های درسی بچه‌ها شود و آنها با اعیاد کشورمان آشنا شوند، فرهنگ غنی کشور خود در پیاموند و برای شاد زیستن همواره بهانه و مناسبتی وجود داشته باشد دیگر با دیدن جشن‌ها و آداب و رسوم کشورهای دیگر دچار تعارض و بی‌هویتی نخواهند شد. در واقع اگر از همان مراحل نخستین آموزش‌های درست صورت بگیرد فرزندان ما با هویت ایرانی پرورش خواهند یافت و هرکجای دنیا هم بروند به ایرانی بودن خود خواهند بالید.

سروش مهدیانی از کارشناس حوزه تعلیم و تربیت اما معتقد است ورود گسترده جشن‌های ملی سایر جوامع در مهدهای کودک موضوعی است که باید بسیار جدی گرفته شود و با آن برخورد شود. وی به «ایران» می‌گوید: در اینکه جشن و شادی خوب است شکی نیست ولی اینکه کودکان در معرض انواع انیمیشن‌هایی هستند که شاید همین مسائل فرهنگی در آنها مطرح باشد و اینکه در فضای رسمی تعلیم و تربیت این جشن‌ها بتوانند نفوذ کند باید باعث نگرانی باشد.

وی می‌افزاید: هر کدام از جشن‌های ملی در هر کشوری یک پستوانه فرهنگی و یک پیامی دارد که در ظاهر آن جشن یا المان‌های آن منتقل می‌شود. ما در کشورمان مثلاً افسانه عمونوروز و ننه‌سرما را داریم. ببینید مهم است که در چه زمانی چه جشنی در کدام سرزمین برپا می‌شود. بچه‌های این دوره می‌پرستند چرا مثلاً الان درخت کریسمس داریم. بعد کم‌کم باپانوتل و روایتش هم وارد می‌شود و ناگهان ما می‌بینیم دچار از خود بیگانگی فرهنگی شده‌ایم چون شخصیتی مثل باپانوتل برای این فرهنگ نیست و یک‌باره وارد شدنش به یک فرهنگ می‌شود از خودبیگانگی.

این کارشناس تعلیم و تربیت ادامه داد: آشنایی با فرهنگ‌های دیگر را می‌توان به کودکان در سن مناسب آموزش داد ولی سن مهدکودک بیشتر الگوپذیری در کودکان رخ می‌دهد. به نظر می‌رسد بها دادن برخی مهدهای لاکچری به این موضوعات صرفاً برای درآمدزایی است ولی آسیبی که می‌زند زیاد خواهد بود. باید به سمتی برویم که جشن‌های ملی و مذهبی را جذاب‌تر و برای کودکان برابتر و با المان‌های جذاب بر گزار کنیم. باید برای این منظور طرح‌هایی اجرا شود.



زهره آشتام

عضو دبیرخانه کشوری
گروه آموزشی مشاوران
وزارت آموزش و پرورش

زندگی فردی و اجتماعی انسان در گرو هویت مستقل

جشن‌های غربی و آیین‌های مربوط به فرهنگ سایر کشورها در سال‌های اخیر در محیط‌های اجتماعی از قبیل مهدهای کودک و سیستم‌های آموزشی غیردولتی بسیار پررنگ‌تر از گذشته به چشم می‌خورد. برگزاری مراسم‌هایی که از فرهنگ غربی وام گرفته شده از مسائل چالش برانگیزی است که در دهه‌های اخیر و بخصوص در دو سال اخیر مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران قرار گرفته است.

لازم به ذکر است عده‌ای با ترویج فرهنگ و هویت غلط جهانی از هیچ گونه جنایتی چشم‌پوشی نمی‌کنند و اینگونه عمل کردن را سلطه بر جهانیان می‌دانند. این افراد همسو بودن با حرکت جهانی و هم‌رنگی با جوامع غربی و جوامعی که رنگ و بویی از سرزمین‌های مشرق زمین ندارند، نشان از روشنفکری خود می‌دانند.

موضوع هویت و کشف آن خصوصاً در سنین کودکی و نوجوانی از اهمیت بالایی برخوردار است. اما متأسفانه در عصر حاضر و بخصوص در دو سال اخیر که به‌دلیل شیوع کرونا محیط‌های اجتماعی و آموزشی به تعطیلی گرایش یافته، بچه‌ها از حضور در گروه همسالان بهره کافی را نمی‌برند. همچنین آنها نمی‌توانند همانند گذشته در گروه‌های اجتماعی نقش‌پذیری و شخصیت‌پذیری را کسب کنند، از این رو در زمینه کشف هویت با چالش‌هایی مواجه شده‌اند.

همچنین در زمانه‌ای قرار گرفته‌ایم که غرب و غرب زدگی مورد اشاعه قرار گرفته و از دید ما در حوزه روانشناسی این موضوع بار ارزشی منفی در سرزمین‌های مشرق زمین دارد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که به‌دلیل تعطیلی‌های مکرر در جهان و همچنین کشور ما ایران وتبدیل شدن محیط‌های آموزشی حقیقی به مجازی، دیگر مرزی بین کشورها و قاره‌ها وجود ندارد و بچه‌ها پانیاشتی از اطلاعات با سرعت، زندگی می‌کنند. گویی آنها ساکنین سرزمین مجازی شده‌اند و در دوران فرا زیستی زندگی می‌کنند.

در واقع با یک بهم پیوستگی جهانی روبه‌رو هستیم و دیگر نمی‌توانیم یک نوجوان و یک کودک را در جامعه و کشور خودش ارزیابی کنیم چون کودک و نوجوان در فضایی زندگی می‌کند که مرزی ندارد و با یک اشاره انگشت به اطلاعات سایر کشورها دست می‌یابد. مشاهده جشن‌هایی مانند هالووین، ولنتاین و... نیز نمونه‌ای از این مشاهدات است که نمی‌توان مانع آن شد.

می‌دانیم هویت، تفاوت و تمایز را درمیان کودکان و نوجوانان ایجاد می‌کند. بنابراین بچه‌هایی که به‌دنبال کشف تمایز خود از دیگران هستند اگر به نادرست در این فضا قرار گیرند و فرهنگ‌هایی مانند جشن هالووین که در آن شاهد سقوط ساحت انسانیت، موجودیت و لطرت یک انسان هستیم برای آنها پررنگ شود دچار سردرگمی و گمراهی خواهند شد. چون آیین و رسوم کشورهای غربی در هویت‌های فرزندان ما سخت رخنه می‌کند و ما باید در این مسیر آنها را هوشیار کنیم تا دچار انحطاط، سردرگمی و گمراهی نشوند.

اگر بخواهیم به‌صورت ملموس کلمه هویت را تعریف کنیم می‌توانیم بگوییم هویت آن چیزی است که مالک خود را به دیگران بشناساند. هویت همچون کارت شناسایی است که فرد بوسیله آن هم خود را می‌شناسد و هم به دیگران می‌شناساند. در متون روانشناسی و جامعه‌شناسی به این نکته اشاره شده که تمامی انسان‌ها از هویت‌های مختلف مانند هویت اجتماعی، ملی، معنوی و... برخوردار هستند که هرکدام از آنها نشان می‌دهد که ما در چه جامعه‌ای زیسته‌ایم و به چه ارزش‌هایی تعلق داریم.

دانش آموزان ما با چند هویت متناقض و متعارض سروکار دارند. مثل هویت ملی و هویت جهانی که با آنها رشد می‌کنند و هویت معنوی. در هویت ملی یک هویت دسته جمعی نهفته است که از گروه‌های اجتماعی و گروه همسالان کسب می‌شود. به نظر می‌رسد ما در کسب هویت ملی پس از تعطیلی مراکز آموزشی کمی دچار ضعف شده‌ایم. در هویت ملی بچه‌ها احساس همبستگی و وفاداری به وطن را دارند. در هویت جهانی بچه‌ها با در دست داشتن موبایل‌هایشان نسبت به کل جهانیان آگاهی به‌دست می‌آورند و این سبب می‌شود از بخشی از فرهنگ و سبک زندگی غربی الگوپذیری داشته باشند. آنچه در رشد و تکوین کودکان و نوجوانان اثر دارد هویت معنوی ما است که متأسفانه شاهد به فراموشی سپرده شدن آن هستیم.

در عصر حاضر و با پررنگ شدن برخی آیین‌ها و آداب و رسوم غیروبومی مشاهده می‌شود تعارضی بین هویت ملی و هویت جهانی و معنوی به وجود آمده است. این امر سبب می‌شود کسب هویت در نوجوانان ضعیف شود و سیستم جهت‌یابی فرزندانمان، آنها را به مسیرهای انحرافی هدایت کند.

در بحث ترویج و گرایش به آیین‌های فرهنگ‌های غربی در ایران، به یاد داشته باشیم افراد، خانواده‌ها و مراکز آموزشی که این جشن‌ها را تبلیغ و ترویج می‌کنند شرایط آسیب‌پذیری کودکان و نوجوانان را فراموش می‌کنند. اغلب بچه‌هایی که در این فضاهای قرار می‌گیرند بدون دانستن هدف به تقلید از آنها می‌پردازند. چنین افرادی در آینده نه چندان دور، هویتی سردرگم و آشفته را تجربه خواهند کرد. افرادی که سطحی فکر می‌کنند و خیلی خرسند نیستند، اغلب تنها هستند و توان برقراری روابط صمیمانه و خالص با اطرافیان خود ندارند. به اهداف خاصی که احساس تعهد به آنها بدهد خیلی گرایش ندارند و هدف خاصی را در زندگی دنبال نمی‌کنند نمونه‌ای از افراد دارای هویت سردرگم و آشفته هستند.

حوزه‌های آموزشی که ناغافل این جشن‌ها را در میان کودکان ترویج می‌کنند باید بدانند که این موضوع قطعاً به ضرر سیستم آموزشی و آینده بچه‌ها خواهد بود. داشتن یک هویت مشخص و مستقل برای یک کشور نه تنها عنصر اصلی زندگی افراد تلقی می‌شود بلکه به زندگی فردی و اجتماعی انسان معنا می‌بخشد.

یادداشت